

Pathology of Waqf in the contemporary history of Iran

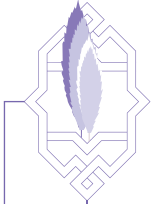
Nezhat Ahmadi*

Abstract

The history of waqf can be traced back to ancient times. At the time when man started praying and worshiping, sometimes by allocating a small object as a gift or a vow to his god, he took a step towards the formation of waqf. Later, with the formation of great religions, waqf found a more serious and practical form ; so that it turned into an independent institution and found a structure and organization, and the governments more or less tried to monitor and control it ; because they correctly understood that this powerful institution, which had its roots in people's beliefs, could well have deep and lasting effects on the society. Apart from the difference in religious beliefs - from polytheism to monotheism - in each of which vows and endowments have been realized according to the conditions of that religion, even within the Islamic society we are faced with a variety of waqf. From the construction and maintenance of the most important gathering center of Muslims, i.e. the mosque, to the arrest of orphans and the homeless, and even taking care of animals from the waqf place, it shows that waqf had a lot of ability and efficiency in understanding the necessities and needs of the society . Therefore, pathology of waqf in the contemporary era can guide and plan to make waqf more practical. There is no doubt that the main approach of waqf has a religious aspect, but to what extent has waqf succeeded in identifying the priorities and daily needs of the society in each historical period and how waqf has used its abilities to improve the condition of the society is definitely not the same. Undoubtedly, how to assess the need for waqf and its solutions in the society is one of the important things that can lead to the continuation of waqf and its modernization, which is a way to preserve Islamic values. The presented hypothesis is that the progress of the new civilization and the changes resulting from it have undergone changes faster than the prevailing beliefs of the Waqifs, and for this reason, the Waqf has not been able to fully identify the needs of the new Islamic society and align itself with it. This research has been carried out by descriptive-analytical method and by referring to sources and documents.

Key words: Waqf, Pathology, Function of moqfat, Contemporary history, Modern Islamic civilization.

*. Associate Professor of the Department of History of Isfahan University, Co-Chair of Shiite Culture and Civilization Studies in the Safavid Period. shahidi.mohsen@gmail.com
n.ahmadi@ltr.ui.ac.ir



دراسة معوقات الوقف في تاريخ إيران المعاصر

نزهدت أحمدی*

خلاصة

يمكن إرجاع تاريخ الوقف إلى فترة العصور القديمة عندما بدأ الإنسان بالصلاة و العبادة، كان أحياناً يخطو نحو إيجاد الوقف من خلال تخصيص شيء صغير كهدية أو نذر للآلهة. و في وقت لاحق، و مع ظهور الديانات الكبرى، اخذ الوقف شكلاً أكثر جدية و عملية بحيث تحول إلى مؤسسة مستقلة و وجد هيكلًا و تنظيمًا، و حاولت الحكومات بشكل أو بآخر مراقبته و السيطرة عليه، لأنها أدركت بشكل صحيح أن هذه المؤسسة القوية التي لها جذورها في معتقدات الناس و تقاليدهم، يمكن أن يكون لها آثار عميقة و تجلب الاستقرار للمجتمع. بعيدا عن اختلاف المعتقدات الدينية - من الشرك إلى التوحيد - و في كل شكل من اشكاله بحسب شروط تلك الشعائر التي تكون بصورة النذور و الأوقاف، و حتى داخل المجتمع الإسلامي نواجه تنوعاً في الأوقاف. فمن بناء و صيانة أهم محل لتجمع المسلمين، أي المسجد، إلى احتضان الأيتام و المشردين، و حتى رعاية الحيوانات هي من الوقف، فإن ذلك يدل على أن الوقف كان يمتلك القدرة و الكفاءة الكبيرة في فهم ضرورات و احتياجات المجتمع و لذلك فإن معوقات الوقف في العصر الحالي يمكن أن توجه و تخطط لجعل الوقف أكثر عملية. مما لا شك فيه هو أن التوجه الرئيسي للوقف له جانب ديني و لكن في كل فترة تاريخية، فإن نجاح الوقف يعتمد على تحديد أولويات المجتمع و احتياجاته اليومية، و كيف استخدم قدراته لتحسين وضع المجتمع، بالتأكيد فان الاسلوب ليس هو نفسه كما هو في الوقت الحاضر. مما لا شك فيه أن كيفية تقييم الحاجة إلى الوقف و حله في المجتمع هي من الأمور المهمة التي يمكن أن تؤدي إلى استمرار الوقف و تحديثه، و هو سبيل للحفاظ على القيم الإسلامية. النظرية المطروحة هي أن تقدم الحضارة الجديدة و التغيرات الناتجة عنها شهدت تغيرات أسرع من المعتقدات الحاكمة للمؤسسين، و بالتالي لم يتمكن الوقف من التعرف بشكل كامل على احتياجات المجتمع الإسلامي الجديد و التكيف معها. تم هذا البحث بالمنهج الوصفي التحليلي و بالرجوع إلى المصادر و الوثائق.

الكلمات المفتاحية: الوقف، معوقات الوقف، وظيفة الأوقاف، التاريخ المعاصر، الحضارة الإسلامية الحديثة.

*نزهدت أحمدی، أستاذ مساعد في قسم التاريخ بجامعة أصفهان، مشارك لدراسات الثقافة والحضارة الشيعية في العصر الصفوي.



چکیده

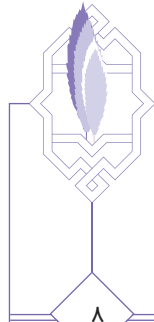
پیشینه تاریخی وقف را می‌توان تا دوران بسیار کهن رسانید. در زمانی که انسان آغاز به نیایش و پرستش کرد. زمانی که با تخصیص شیئی کوچک به‌عنوان هدیه و یا نذر به معبود خویش قدمی در راه شکل‌گیری وقف برداشت. بعدها با شکل‌گیری ادیان بزرگ، وقف صورتی جدی‌تر و کاربردی‌تر پیدا کرد. به‌طوری که به نهادی مستقل تبدیل شد و ساختار و سازمانی متشکل یافت و حکومت‌ها نیز کم و بیش سعی در نظارت و کنترل آن نمودند، چرا که به درستی دریافتند این نهاد قدرتمند که ریشه در باورها و اعتقادات مردم دارد به خوبی می‌تواند تأثیرات عمیق و پایداری بر جامعه بگذارد. جدای از تفاوت در باورهای دینی و مذهبی - از چندخدایی تا وحدانیت^۲ - که در هر یک بنا بر شرایط آن آئین، نذر و وقف تحقق یافته است، حتی در درون جامعه اسلامی نیز با تنوع موقوفات روبرو هستیم.

تردیدی نیست که رویکرد اصلی وقف جنبه دینی دارد اما این که در هر دوره تاریخی وقف تا چه میزان موفق به شناسایی اولویت‌ها و نیازهای روزمره جامعه بوده است و چگونه از توانایی‌های خود برای بهبود وضعیت جامعه استفاده نموده است، به طور قطع یکسان نیست. بی‌شک چگونگی نیاز سنجی وقف و راهکارهای آن در جامعه، از موارد مهمی است که می‌تواند تداوم وقف و روزآمد شدن آن را به همراه داشته باشد که خود راهی برای حفظ ارزش‌های اسلامی است. فرضیه ارائه شده در این مقاله آن است که پیشرفت تمدن نوین و تغییرات ناشی از آن سریع‌تر از باورهای حاکم بر اندیشه واقفان دستخوش تغییر شده است و از این روی وقف نتوانسته است به طور کامل نیازهای جامعه جدید اسلامی را شناسایی و خود را با آن هماهنگ سازد. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع و اسناد انجام پذیرفته است.

واژه‌های کلیدی: وقف، آسیب‌شناسی، کارکرد موقوفات، تاریخ معاصر، تمدن نوین اسلامی.

* - نزهت احمدی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، همکار قطب مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در دوره صفویه. n.ahmadi@ltr.ui.ac.ir

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه گذار انسان از پرستش اشیاء و مظاهر طبیعت و اجرام آسمانی و سپس چندخدایی به پرستش خدای واحد، رجوع شود به: ویل دورانت، تاریخ تمدن، مشرق‌زمین گهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، ج ۱، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵. همچنین: جان. بی. ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، ج ۹، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.



پیشینه وقف

اگر چه وقف ریشه در باورها و قدمتی به اندازه عمر بشر دارد اما اسلام نیز مانند سایر ادیان الهی بر آن صحنه گذاشته است. تداوم سنت وقف در دوران اسلامی به ساخت مساجد، مدارس، شفاخانه و امور عام‌المنفعه بسیاری انجامید. با ظهور صفویه نه تنها این سنت متوقف نشد بلکه در راستای اهداف دولت جدید که تشیع را مذهب رسمی قلمرو خویش خوانده بود، درآمد و تأثیر بسیاری بر توسعه و ترویج آیین تشیع گذاشت^۱ چنانچه کاری را که شمشیر قزلباشان در انجامش فرو ماند به ثمر رساند و از ایران کشوری با بیشترین پیروان تشیع دوازده امامی ساخت. البته تنها این‌ها نبودند که برای رسیدن به اهداف مذهبی فرهنگی خویش به وقف مبادرت کردند؛ حتی این مسئله را می‌توان در نظام کلیسایی نیز مشاهده نمود که برای توسعه آیین مسیحیت از وقف استفاده نمودند. وقف برای گرایش‌های صوفیانه نیز در طی ایام راهی برای بقا و نیز جذب پیروان بوده است.

در غرب بعد از رنسانس نهاد وقف از یک سو توسعه آیین مسیحیت در سرزمین‌های تازه کشف شده و دیگر نقاط را مورد حمایت قرار داد و از سوی دیگر به آرامی حامی توسعه علم و دانش شد. به طوری که در طی چند سده، وقف از نهادی صرفاً وابسته به کلیسا خارج شد و به صورت نهادی مستقل توسعه علم و دانش، رفاه اجتماعی و کارهای عام‌المنفعه را دربر گرفت (مومنی، ۱۳۷۳: ۹۴-۱۰۳؛ فرشتیان، ۱۳۷۶: ۶۸-۷۵) در این میان شاهد آن هستیم که افراد خیر حتی مخارج فعالیت‌های هیئت‌های میسیونری که قاعدتاً هزینه‌هایشان باید توسط کلیسا تأمین می‌شد، را تقبل کردند. (Christian Windler, ۲۰۱۴: ۴۳) در این میان از نقش پاپ‌ها و کاردینال‌ها و همچنین از میراثی که برای این کار تخصیص یافته بود نباید غافل شد. (Giovanni Pizzorusso, ۲۰۱۴: ۵۱)

اگر چه آشنایی با تمدن غرب و پیشرفت‌های آن کم و بیش از دوره صفویه آغاز شده بود و کسانی برای آموزش ساخت سلاح گرم، ساعت‌سازی، نقاشی و... وارد ایران شدند، اما در آن دوره تفاوت دو جامعه شرق و غرب آن قدر زیاد نبود که مفهوم نوگرایی وارد ادبیات فرهنگی و سیاسی ایران شود ولی بعد از سقوط صفویان و جنگ و ستیزهای داخلی و ظهور و افول دولت‌های مستعجل افشاریه و زندیه که نتوانست شرایط را سامان دهد تا

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: نزهت احمدی، در باب اوقاف صفوی، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

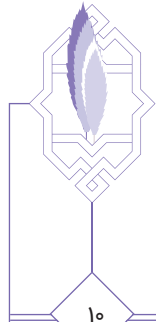
ظهور دولت قاجار و سپس شکست‌های پی‌درپی از دولت روسیه، ضعف و عقب‌ماندگی کشور، دیگر پدیده‌ای قابل‌انکار نبود زیرا در تمام این مدت غرب با سرعتی شگرف به سوی پیشرفت و تمدن رفته بود و شرق و از جمله ایران علاوه بر بی‌اطلاعی و غفلت درگیر مسائل مختلف داخلی شده بود و از کاروان تمدن بسیار عقب‌مانده بود. از این روی لزوم تغییر در بخش‌های مختلف جامعه و مدرن کردن آن و وارد نمودن تکنولوژی در ابعاد مختلف احساس می‌شد. گروهی برای تحصیل به غرب فرستاده شدند و مستشارانی نیز برای تعلیم وارد ایران شدند. البته ورود تکنولوژی و ایجاد تغییرات زیربنایی، نیاز به حمایت مالی و حتی فرهنگی داشت که این به‌تنهایی از عهده حکومت بر نمی‌آمد زیرا برخی نوگرایی و تکنولوژی را ضدارزش دانسته و حتی لباس متحدالشکل سربازی مخالفت می‌کردند. (نوائی، ۱۳۶۹: ۱۳۰)

از آنجایی که یکی از نهادهایی که می‌توانست در این دوران بحرانی نقشی اساسی بازی کند، نهاد وقف بود که علاوه بر داشتن توان مالی از وجهه مردمی و مذهبی نیز برخوردار بود. بررسی و آسیب‌شناسی عملکرد آن اهمیت بسیاری دارد. البته این که آیا این نهاد توانسته است وظیفه اصلی خود را که کمک‌رسانی به بهبود وضعیت مردم جامعه است انجام دهد یا نه پرسش اساسی این مقاله است. همچنین می‌خواهیم بدانیم از کی و از چه راهی وقف با تمدن نوین همراه شده است.

خوشبختانه در دو دهه اخیر کتاب‌ها و مقالات بسیاری با موضوع وقف تدوین شده است و وقف را از چند منظر تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و فقهی مورد بررسی قرار داده‌اند که ذکر نام این آثار خارج از حوصله این مقاله خارج است. اما آسیب‌شناسی وقف چندان موردتوجه محققان قرار نگرفته است و این مقاله می‌تواند فتح‌البابی باشد برای توجه بیشتر به این موضوع است.

کارکرد وقف از صفویان تا قاجار

صفویان از زمانی که بر اریکه قدرت نشستند شاید با توجه به سابقه خانقاهی خود دریافتند بهترین راه رسیدن به هدف گسترش تشیع در ایران، شمشیر قزلباشان نیست بلکه تبلیغ و تشویق مردم است. از این روی با فراهم کردن زمینه مناسب برای جذب بهترین استعدادها در مدارس که علوم شیعه با حمایت وقف تدریس می‌شد زمینه برای گسترش تشیع و نهادینه کردن آن در جامعه فراهم ساختند اگر چه این کار از جنبه‌هایی



باعث تک‌بعدی شدن مدارس شد و در درازمدت به بهای تضعیف سایر علوم تمام شد. آنان به‌درستی به کارکرد وقف در موارد موردنظرشان واقف بودند و نه تنها برای گسترش تشیع با استفاده از نهاد وقف شروع به ساخت مدارس و پرورش نیرو برای تبلیغ تشیع اثنی‌عشری پرداختند، بلکه هم‌زمان از توجه به آثار و اماکن خاص شیعه غفلت نکردند. درضمن آنها بسیاری از نیازهای رفاهی و عمرانی جامعه را نیز با تکیه بر قدرت نهاد وقف تأمین کردند. از نیازهای بهداشتی چون ساخت شفاخانه گرفته تا حمایت از بی‌بضاعتان همه در سایه وقف تحقق یافت. نکته بسیار قابل توجه در این دوره نیازسنجی دقیق و توجه به شرایط اجتماعی است که توانستند نه تنها وقف را در کنترل خویش درآوردند، بلکه از طریق آن بخشی از نیازهای روزمره جامعه را نیز تأمین کردند. در این دوره بناهایی که با حمایت وقف ساخته می‌شد علاوه بر آن که واقفان به کیفیت ساخت بنا توجه می‌کردند به زیبایی و جنبه‌های هنری آن نیز توجه داشتند. همچنین موقوفات در توسعه شهری نیز مؤثر بوده است. (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۶-۳۱)

البته نقد اصلی که بر نهاد وقف در دوره صفوی می‌توان وارد ساخت آن است که متوجه تغییرات و دگرگونی‌هایی که در حوزه علم دانش شده بود نشد و نتوانست از پتانسیل موجود در وقف برای توسعه مرزهای دانش بهره‌برد و حتی تلاش آنان برای توسعه تشیع تنها در داخل مرزها خلاصه می‌شد. چنان‌که شواهد و مدارک نشان می‌دهند، هیچ نشانی از وقف برای تبلیغ اسلام یا آیین تشیع خارج از مرزهای جغرافیایی ایران وجود ندارد و تنها گزارشاتی از وجود موقوفات برای مهاجرین خارجی به شهر مذهبی مشهد وجود دارد، درحالی‌که هیچ مدرکی که نشان دهد حتی مبلغانی به کشورهای همسایه رفته باشند دیده نشده است و بدین ترتیب از همین دوره در مقابل حمایت‌هایی که از میسیونرهای مذهبی که به‌ویژه از سوی دستگاه پاپ انجام می‌شد، هیچ حمایتی از سوی نهاد وقف برای توسعه اسلام دیده نمی‌شود.

بادقت در موقوفات اواخر دوره صفوی متوجه می‌شویم که حتی آن عزم اولیه نیز به دلیل تثبیت تشیع در بیشتر نقاط ایران دستخوش تغییراتی شده است و روضه‌خوانی و عزاداری بیش از ساخت مدرسه و شفاخانه موردتوجه قرار گرفته است. (احمدی، ۱۳۸۰:

(۱۷۸-۱۳۷)

دوران پر تلاطم بعد از سقوط صفویان نیز فرصتی برای اندیشیدن و برنامه‌ریزی برای کنترل وقف وجود نداشت. درحالی‌که غرب از تمام پتانسیل خود از یک سو برای

توسعه علم و دانش و از دیگر سوی برای توسعه طلبی بهره می‌برد، میراث صفویان درگیر کشمکش‌های قدرت و جنگ‌های داخلی بود؛ بنابراین آنچه از بیکره وقف در این دوره باقیمانده بود تنها نخ‌نمایی از میراث گذشته بدون در نظر گرفتن شرایط و نیازهای زمانه است.

سقوط پایتخت صفوی از میان رفتن بخش عظمی از موقوفات را نیز به دنبال داشت. (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۳۵). نادر نیز اگر چه تا پیش از بر تخت نشستن اقداماتی برای توسعه شهر مشهد و مرقد امام هشتم انجام داده است (نادری، ۱۳۶۴: ۲۰۰-۲۰۶). همچنین آرامگاهی برای خود ساخت و بر آن موقوفاتی معین نمود (قدوسی، ۱۳۳۹: ۶۵۶-۶۶۰). اما نمی‌توان او را حامی وقف دانست و شاید بتوان گفت که بیشتر برای جلب حمایت مردم پیش از بر تخت نشستن بوده است و صرفاً برای بقاع مذهبی چون آستانه امام هشتم و حضرت معصومه خلاصه شده که احتمالاً به اعتقادات شخصی او مرتبط بوده است. زیرا پس از تاج‌گذاری نه تنها هیچ وقف هدفمندی را از سوی او مشاهده نمی‌کنیم بلکه به غصب درآمد موقوفات متهم است (فسائی، ۱۳۶۷: ۵۴۴). این دخل و تصرف‌ها تنها در اصفهان نبود بلکه منابع از ضبط موقوفات در شهرهایی مانند شیراز و کاشان نیز گزارش کرده‌اند. (فسائی، ۱۳۶۷: ۱۲۲۰).

پس از قتل نادرشاه و به قدرت رسیدن برادرزاده‌اش، عادل‌شاه، وی با ترتیب طوماری از موقوفات سعی کرد آب رفته را به جوی آورد. همچنین خود در طی حکومت کوتاه‌مدتش برای جلب توجه مردم و کسب مشروعیت، به وقف اموال پرداخت (بسطامی، ۱۳۱۵: ۲۳۳). این روند در بین دیگر جانشینان نادر نیز تداوم یافت و نهایتاً شاهرخ بیشترین سهم را در توجه به موقوفات داشته است. البته در طی این دوره به‌طور جسته و گریخته افراد دیگری در شهرهای مختلف به سنت پیشین اقدام به وقف نموده‌اند، از جمله قلی بیگ افشار که در کرمان دو مدرسه کاظمیه و حسینیه را احداث و موقوفات بسیاری برای آن تخصیص داد (وزیری، بی‌تا: ۶۷۰). اما آنچه هست آن است که وقف هدفمند و منطبق با نیازهای جامعه نبود چه‌رسد به آنکه به تحولات جهانی و تمدن جدید توجه داشته باشد.

اوضاع وقف در دوره زندیه با وجود آنکه کریم‌خان به مصادره موقوفات دست نزد و خود نیز موقوفاتی داشت (الگار، ۱۳۵۶: ۴۴). به لحاظ هدفمندی و توجه به شرایط زمانی چندان بهتر از دوره افشاریه نبود. البته وی به اوضاع نابسامان وقف سروسامانی داد و طی حکمی میرزا زین‌العابدین را به وزارت موقوفات برگزید (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۷۳: ۴۵).



ظهور دولت قاجار

زمانی که آقا محمد خان قاجار بر دیگر رقیبان غلبه یافت و حکومت ۱۵۰ساله قاجار را بنیاد گذاشت، وضعیت داخلی کشور از هر نظر آشفته بود. این خود دلیلی بود برای آن که وقف نه تنها نتواند کارکرد پیشین خود را ادامه دهد بلکه توجهی به تحولات جهانی و نیازهای روز نداشته باشد. اما با شکست‌های پی‌درپی از روسیه و ازدست‌رفتن بخش‌های از سرزمین ولیعهد فتحعلی‌شاه، عباس میرزا و وزیرش متوجه برخی از ضعف‌های کشور شدند و از این هنگام توجه به تمدن نوین یکی از دغدغه‌های آنان شد. حال چه میزان درک دقیقی از وضعیت داشتند و تا چه اندازه موفق بودند موضوعی خارج از بحث کنونی است. اما هر چه از ابتدای این دوره فاصله می‌گیریم و به دوران مشروطیت نزدیک می‌شویم می‌توانیم تحولی بطئی را در تغییر رویکرد وقف مشاهده نماییم. در این جا سعی می‌شود این تحول مورد بررسی و نقد قرار گیرد و نقاط ضعف و قوت آن نشان داده شود. لازم به ذکر است که اگر چه از ابتدا در زمان خلافت عباسیان دیوانی به نام «دیوان البر و الصدقات» (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ۲۵۷) و سپس دیوان احباس (البقلی، ۱۹۸۳: ۱۴۱) برای نظارت و رسیدگی به امور اوقاف شکل گرفت. اما پیوسته مرز میان نهاد وقف به‌عنوان نهادی خودجوش از درون جامعه که کنترل آن در دست واقفان و متولیان تعیین شده از سوی آنان است و نهادی زیر نظر دولت، نامشخص بوده است و هر از گاه بنا بر شرایط زمانی، یکی بر دیگری غلبه داشته است.

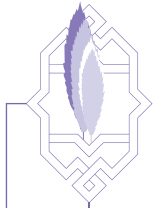
تردید نیست که اندیشه وقف پس از شکل‌گیری حکومت قاجار میراث‌خوار سنت وقف در دوران پیش از آن است. آن هم سنتی که با دوران فترت پس از سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵ دیگر متولی کارآمدی برای هدایت و کارآمد ساختن آن نداشته است. اما همان‌گونه که گفته شد تحولات جهانی و تأثیری که بر وضعیت ایران گذاشت به‌مرور نوعی دگراندیشی در نزد واقفان به وجود آورد و به‌مرور ایام هر چه از ابتدای این دوره فاصله می‌گیریم بیشتر متوجه تغییراتی در مصرف و شروط وقف به نفع نوگرایی و توجه به تمدن نوین دیده می‌شود. حتی به‌مرور ایام در شیوه اداره موقوفات نیز تحولی را شاهد هستیم. این تغییر و تحول در مصرف و شروط وقف در دوره قاجار بسیار ملموس است و گویای تحولی در اندیشه و یا حتی نیاز روزمره جامعه می‌باشد (احمدی، ۱۳۷۸: ۲۱-۱۹).

می‌دانیم که نگاه به وقف برای همه مردم یکسان نبوده است. برخی به‌اجبار و از

ترس نابودی مایملک به وقف رو آورده‌اند و برخی برای رضای خدا و کسب توشه‌ای برای آخرت و حتی عده‌ای صرفاً برای بهبود وضعیت عمومی مردم و انجام کاری عام‌المنفعه. البته در مورد نیت واقعی واقفان نمی‌توان به‌درستی و اطمینان سخنی گفت اما تا اندازه‌ای از نوع موقوفه و شرایط و مصارف وقف می‌توان حدس زد که نیت واقف چه بوده‌است. همان‌طور که گفته شد وقف در دوره قاجار تداوم سنت پیشین بود و ساختار آن تغییر چندانی نکرده بود و تنها می‌توان گفت که از سقوط صفویان تا تثبیت دولت قاجار آسیب‌هایی بر موقوفات چه از لحاظ نحوه اداره و چه از نظر کارایی واردآمده بود. اما نظارت بر وقف، همچنان نوعی عمل مذهبی شناخته می‌شد که با سقوط صفویان و از میان رفتن قدرت صدر که منصبی مذهبی - حکومتی (سیوری، ۱۳۸۰: ۷۹-۸۱) بود دچار نوعی آشفتگی شده‌بود. اگر چه همیشه درآمدهای هنگفت وقفی برای سوء استفاده کنندگان، وسوسه‌کننده بود (شاه طهماسب، ۱۹۱۲: ۳) اما نظارت و کنترل‌های رسمی تا حدی از این سوء استفاده‌ها می‌کاست. ولی طبیعی است که پس از سقوط صفویان و دوران هرج و مرج و دست به دست شدن قدرت میان دولت‌های مستعجل نظام اداره وقف آسیب بسیار دیده باشد.

دوره کوتاه آقا محمد خان با توجه به اوضاع آشفته کشور فرصتی برای رسیدگی به اوقاف نگذاشت و به استثنای آستان قدس رضوی که شاه برای اداره آن فرمانی صادر کرد، (فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار، ۱۳۷۱، ج: ۱، ۳۹) امور اوقاف بدون نظارت سازمانی حکومتی، تحت نظارت متولیان بود و موقوفات بدون متولی نیز زیر نظر علماء و روحانیان هر منطقه اداره می‌شد و چه بسا که در طی این دوره دخل و تصرف‌هایی هم شکل‌گرفته باشد (الگار، ۱۳۵۶: ۱۸-۲۷). این روند ادامه داشت تا آن که ناصرالدین شاه مصمم شد اصلاحاتی ایجاد کند و برای رسیدگی به امور اوقافی وزارت وظایف و اوقاف را تأسیس کرد اما به گفته مستوفی تا زمان مشروطیت این وزارتخانه وزارتی بیکار بود و دخل و تصرفی در امور نداشت (مستوفی، ۱۳۷۱: ۸۸-۸۹) و ظاهراً فقط به کار پرداخت حقوق مستمری بگیران بوده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸، ج: ۱، ۱۵۱۳). این عدم رسیدگی دست متولیان را برای دخل و تصرف در موقوفات یا در درآمدهای آن باز می‌گذاشت.

میرزا حسین خان سپهسالار که خود از واقفان بزرگ دوره قاجار است، در مدتی که وزارت عدلیه را برعهده داشت سعی نمود سر و سامانی به اوقاف کشور بدهد (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۸۷-۱۸۸). اما تغییرات اساسی در رسیدگی به امور اوقافی از دوره مشروطیت آغاز



شد (کسروی، ۱۳۷۸: ۲۲۹). که لزوم بازنگری در شیوه اداره مملکت را دریافته بودند. همچنین نیاز به علم و دانش جدید همراه با آگاهی بیشتر برخی واقفان به تحولات جهانی و نیاز ایران به همسو شدن با این تحولات، تغییراتی بنیادین در نوع موقوفات، کارکرد و حتی شروط آن به وجود آورد.

اسناد برجای مانده نشان می‌دهد که موقوفات در دوره قاجار به لحاظ تعداد بسیار زیاد است با آنکه شاید از لحاظ کیفیت نتواند به پای دوره صفوی برسد اما کثرت آن قابل توجه است. البته این را هم باید در نظر گرفت که بنا به دلایل مختلف از جمله نزدیکی زمان، اسناد برجای مانده از دوره قاجار بیش از دوره‌های پیشین است. موقوفات این دوره تنوع زیادی دارد. اگر چه همان‌طور که پیش از این اشاره کردم مانند دوره صفوی وقف، هدفمند نیست و او بیشتر به مراسم و آئین‌های مذهبی می‌پردازد نه حتی به ترویج و تبلیغ به‌طوری که با افزایش معنی‌داری به نفع روضه خوانی و عزاداری به جای ساخت مدرسه که در دوره صفوی بیشترین حجم موقوفات بزرگ را به خود اختصاص داده بود مواجه هستیم. اما در این میانه هر چه به سوی آخر دوره قاجار می‌رویم موقوفاتی با مصارفی غیر از این توسط برخی افراد صورت پذیرفته است که بیشتر تأمین نیازمندی‌های بلند مدت را مورد توجه قرار داده است.

همان‌طور که پیش از این گفته شد اصولاً وقف بر اساس سنت رایج انجام می‌شد و حتی می‌توانیم بگوییم که وقف تا اندازه زیادی حالت کلیشه‌ای پیدا کرده‌بود به‌طوری که حتی کسانی که آنها را در زمره اولین پیشگامان نوسازی کشور و ایجاد تحولات در جامعه می‌دانیم موقوفاتشان از همان سنت پیشین پیروی کرده است. مثلاً موقوفات معروف به قائم مقام در تبریز شاهی بر این مدعاست که علی‌رغم آنکه قائم مقام به‌عنوان فردی که بر عقب ماندگی ایران واقف بود و اخذ تمدن نوین را ضروری می‌دانست و به‌عنوان فردی پیشرو برای تغییرات زیربنایی در ایران مطرح است، موقوفات او و فرزندانش همان سنت پیشین را ادامه داده است (ورنر، بی‌تا: ۲۷). گویا این اندیشه که می‌توان از چنین پتانسیلی برای ساخت مملکت استفاده کرد حتی در ذهن او نیز مطرح نبوده است. توجه به موقوفات در دوره قاجار ثابت می‌کند که همان روند سنتی در همه شهرها تکرار شده است (ملک زاده و افرافر، ۱۳۹۶: ۲۷۱-۲۵۷). اگر چه در طول تاریخ وقف در ایران استثناهایی هم وجود دارد و حتی به مصارفی غیر متداول مانند وقف برای حیوانات نیز برخورد می‌کنیم ولی قالب کلی همان شیوه‌های کلیشه‌ای است. شاید علت را بتوان در این

جستجو کرد که آگاهی لازم از سوی نهادهای مرتبط به واقفان داده نشده است و یا عدم فقدان مرکزی که اولویت‌های جامعه را شناسایی و واقفان را ترغیب به وقف در راستای آن اهداف بنماید وجود ندارد.

صحت این ادعا با مصاحبه‌ای که با برخی کارکنان سازمان اوقاف که کم و بیش دست اندر کار تهیه پیش نویس وقفنامه‌ها هستند، انجام شد تأیید می‌شود که واقفان کمتر به امور مورد نیاز جامعه توجه دارند. بیشتر واقفان تصورشان از وقف آن است که اگر برای امور مذهبی وقف نمایند از ثواب آن بهره‌مند خواهند شد و انجام سایر امور مورد نیاز جامعه را صرفاً وظیفه دولت تلقی می‌کنند. آنان حتی به تبلیغ مذهب و یا تحقیقات در خصوص امور مذهبی هم توجه ندارند بلکه اولویتشان، وقف بر مسجد، روضه خوانی و عزاداری است. فهرست موقوفات در ده‌های اخیر نیز مؤید این مطلب است. این مسئله تنها به دوره پس از انقلاب مربوط نمی‌شود و حتی این روند را در دوره پهلوی نیز شاهد هستیم. البته وجود موقوفاتی در سایر امور و به‌ویژه برای جمعیت شیر و خورشید سرخ (هلال احمر کنونی) که اصولاً در مواقع بحرانی و پس از بلایای طبیعی اتفاق افتاده‌است تا حدی تفاوت در نگرش واقفان را نشان می‌دهد (اردکانی، ۱۳۸۱: ۳۳-۵۱).

در تحقیقی تطبیقی میان موقوفات دوره قاجار و پهلوی گفته شده‌است که از میان ۴۱۵ فقره وقف در دوره قاجار و ۲۹۲ فقره در دوره پهلوی که در تهران وقف شده است بیشترین آنها برای امور مذهبی و در همان قالب سنتی بوده است (شاه حسینی، ۱۳۹۰: ۲۰). البته همیشه برخی از واقفان نوآوری‌هایی در موقوفات خود داشته‌اند و حتی به احتیاجات و نیازهای روز هم توجه داشته‌اند (رضایی، ۱۳۸۷: ۵۶-۶۷). این اندیشه پس از مشروطیت شروع به رشد کرد و در دوره پهلوی و سپس در دوره جمهوری اسلامی تداوم یافت. بنابراین می‌توان توسعه این اندیشه را به آگاهی بیشتر از توسعه علم و دانش و وضعیت جهانی نسبت داد به طوری که اگر به زندگی‌نامه واقفان نواندیش توجه کنیم میزان تحصیلات و نیز آگاهی آنها به وضعیت جهانی تفاوت معناداری با دیگر واقفان دارد (شاه حسینی، ۱۳۹۰: ۲۰).

این نکته هم قابل توجه است که اصولاً بیشترین تعداد موقوفات در دوره تثبیت حکومت‌ها است نه زمان تأسیس آنها (مرادعلیان، ۱۳۹۵: ۷۴-۱۰۴). اما با این جود اصولاً شاهان و رجال عالی‌رتبه برای کسب مشروعیت هم که باشد سعی کرده‌اند از همان ابتدا

۱. بنا بر برخی دلایل از آوردن نام افراد معذورم.



چیزی را وقف نمایند.

همان‌طور که گفته شد هر چه آشنایی با تحولات جهانی بیشتر شد در مصرف موقوفات و یا نوع کارهای خیر تغییراتی ایجاد شد یکی از مواردی که شاید بیش از دیگر موارد مورد توجه واقفان نواندیش قرار گرفت امور بهداشتی بود. زیرا مقایسه وضعیت ایران آن روزگار با غرب در زمینه‌هایی چون شیوع بیماری‌های واگیر، کمبود بهداشت، نبود بیمارستان و نبود علم لازم در این زمینه بسیار ملموس بود و لزوم بازنگری در شرایط موجود را ایجاب می‌کرد (روستایی، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۲۷). این بخش از موقوفات نه تنها تا انقلاب ۵۷ ادامه یافت بلکه پس از آن نیز تداوم یافت. این تغییر در نوع نگرش اگرچه بسیار محدود است اما در میان افشار مختلف دیده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۷). نکته قابل توجه آن است که جنسیت در این تحولات نقشی نداشته است و در میان زنان نیز هر دو گرایش سنتی و نوگرایی دیده می‌شود (ملک زاده، ۱۳۹۶: ۴۴؛ احمدی، ۱۳۹۰: ۶۱). مواردی چون مؤسسه پاستور، موقوفات دکتر محمود افشار و یا اعزام دانشجویان به خارج را می‌توان در زمره موقوفات نوگرا دانست (رضایی، ۱۳۸۷: ۵۶-۶۷). البته از این نکته نیز نباید غافل شد که مفهوم نوگرایی در وقف به معنی دوری از دین و غرب‌گرایی نیست بلکه شناسایی نیازهای روز جامعه و همساز شدن با آن برای رشد و تعالی جامعه است.

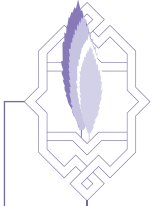
نکته دیگری که در مقایسه موقوفات دوره صفوی با قاجار و سپس دوره پهلوی و پس از آن می‌توان مشاهده کرد افزایش تعداد موقوفات به لحاظ کمیت، در مقابل کم شدن ارزش و بهای موقوفات است که هر چه از دوره صفوی فاصله می‌گیریم کمتر نشانی از موقوفات بزرگ دیده می‌شود. البته این نکته نباید نادیده گرفته شود که کمبود موقوفات کوچک از دوره صفوی به معنی نبود آن نیست بلکه می‌تواند به دلیل نابود شدن سند و نیز مورد وقف در طی حوادث ایام باشد.

نتیجه‌گیری

در مورد آسیب‌شناسی وقف در دوره معاصر می‌توان گفت که واقفان به دلیل عدم وجود مراکزی برای هدایت و راهنمایی آنان و نیز عدم درک دقیق از نیازهای جامعه، غالباً به تقلید از پیشینیان به همان مواردی توجه می‌کنند که گاه صدها سال است به‌عنوان موارد وقفی شناخته شده‌اند. آنان بیشتر از آنکه نیازهای جامعه را در نظر بگیرند نگران میزان ثواب اخروی آن هستند و غالباً از موارد جدید که در سنت پیشین وجود نداشته است پرهیز می‌کنند.

البته استثناهایی نیز نه تنها در دوره اخیر که در سابقه تاریخی وقف وجود داشته است ولی نمی‌توان آن را جزو تغییر روش و روزآمد شدن کل موقوفات دانست. مواردی چون بهداشت و علم پزشکی پس از موارد سنتی - مذهبی بیشترین حجم موقوفات را به خود اختصاص داده‌اند اما در مقایسه، کارهایی مانند تحقیقات علمی، توسعه پژوهشگاه‌ها، محیط زیست و مواردی از این دست کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شواهد نشان می‌دهد غالباً واقفان توجهی به نیازهای روز و اولویت‌های جامعه ندارند و هیچ نهادی نیز مسئولیت آموزش و حتی توجیه واقفان برای نیاز سنجی ضروریات جامعه را برعهده نگرفته است.

در پایان به‌عنوان پیشنهاد می‌توان در مورد لزوم ایجاد بخشی در زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه برای جلب اعتماد و هدایت واقفان و نیز اطمینان دهی به آنان که توجه به ضرورت‌هایی چون پژوهش‌های علمی که باعث رشد و خودبستگی جامعه اسلامی است به همان میزان وقف برای مراسم مذهبی برای آنان ثواب به ارمغان خواهد آورد.



کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، *اندیشه ترقی و حکوت قانون عصر سپهسالار*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ابن مسکویه (۱۳۶۶)، *تجارب الامم*، ترجمه محمد فضائی، تهران: زرین.
- احمدی، زهت (۱۳۹۳)، «تأثیر موقوفات گنجعلی خان بر کالبد شهری کرمان با تکیه بر اسناد وقفنامه گنجعلیخان»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، سال ۶، شماره ۲۷.
- احمدی، زهت (۱۳۹۰)، «حمایت زنان واقف از جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران»، *مجموعه مقالات زن در تاریخ معاصر*، تهران: کویر.
- احمدی، زهت (۱۳۸۰)، «نهاد وقف، دگرگونی‌ها و کارکردی فرهنگی - مذهبی آن در دوره صفوی»، پایان نامه دکتری، تهران: دانشگاه الزهرا.
- احمدی، زهت (۱۳۸۶)، «وقف و درمان، نگاهی به بیمارستان فیروز آبادی»، *فصلنامه وقف میراث جاویدان*، شماره ۶۰.
- احمدی، زهت (۱۳۹۰)، *در باب اوقاف صفوی*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- احمدی، زهت (۱۳۸۷)، *وقف و گسترش امور درمانی با تکیه بر اسناد وقفی تهران*، قم: کومه.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۸)، *مرآت البلدان*، به تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بسطامی، نوروز علی (۱۳۱۵) *فردوس التواریخ*، چاپ سنگی، مشهد ۱۳۱۵ ه. ق.
- البقلی، محمد قنذیل (۱۹۸۳)، *التعریف بمصطلحات صبح الاعشی*، مصر: بی‌جا.
- جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان (۱۳۲۱)، *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*، اصفهان: انتشارات خرد.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (بی‌تا)، *فارسنامه ناصری*، منصور رستگار فسایی، جا، تهران: امیرکبیر.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵)، *تاریخ تمدن، مشرق زمین گهواره تمدن*، ترجمه احمد آرام و دیگران، جا، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رضایی، امید (۱۳۸۸)، «جلوه‌هایی از نوگرایی در مصارف موقوفات دهه‌های اخیر»، *فصلنامه وقف میراث جاویدان*، سال ۱۶، شماره ۶۲.
- روستایی، محسن (۱۳۸۲)، *تاریخ طب و طبابت در ایران*، از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- سیوری، راجر (۱۳۸۰)، *در باب صفویان*، ترجمه رمضان علی روح الهی، تهران: نشر مرکز.
- شاه حسینی، پروانه (۱۳۹۰)، «سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی»، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، سال نهم، شماره ۲۵.
- شاه طهماسب (۱۹۱)، *تذکره شاه طهماسب*، کلکته: انجمن آسیایی بنگال.

- شیخ الحکامی، عماد الدین (۱۳۷۳)، «وزارت اوقاف در دوره زندیه»، *فصل‌نامه وقف میراث جاویدان*، سال دوم، شماره ۷
- صحرایی اردکانی، عباس (۱۳۸۱)، *میراث ماندگار*، تهران: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
- فرشتیان، ح (۱۳۷۶)، «وقف در حقوق فرانسه»، *فصل‌نامه وقف میراث جاویدان* سال سوم، ش ۱۸.
- بی‌نا (۱۳۷۱)، *فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار*، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد جانبازان.
- قدوسی، محمدحسین (۱۳۳۹)، *نادرنامه*، خراسان: انجمن آثار ملی خراسان.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
- الگار، حامد (بی‌تا)، *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
- مرادعلیان، لیلیا (۱۳۹۵) «نهاد وقف و کارکرد آن در دوره ناصرالدین شاه (با تکیه بر اسناد آرشیو ملی)»، *فصل‌نامه آرشیو ملی*، سال ۲، شماره پیاپی ۷.
- مروی، محمد کاظم (۱۳۶۴)، *عالم آرای نادری، تصحیح دکتر محمد امین ریاحی*، ج۱، تهران: نقش جهان.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، *شرح زندگانی من*، تهران: انتشارات زوار.
- ملک زاده، الهام؛ افرافر، مرضیه (۱۳۹۶)، «کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول نمونه پژوهی: موقوفات زنان تهران»، *فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی*، دانشگاه اصفهان، دوره جدید سال نهم، شماره ۳۵.
- ملک زاده، الهام (۱۳۹۶)، «زنان و موسسات خیریه رفاهی - بهداشتی ایران از مشروطه تا پایان حکومت پهلوی»، *فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۲۱، ۱۳۹۶.
- مومنی، مصطفی (۱۳۷۳)، «بنیادهای وقفی در آلمان فدرال»، *فصل‌نامه وقف میراث جاویدان*، سال دوم شماره ۸.
- ناس، جان. بی (۱۳۷۷)، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه *علی اصغر حکمت*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۶۹)، *ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصر*، ج ۲، تهران: نشر هما.
- ورنر، کریستفر (۱۳۹۵)، «وقف آینه تحولات اجتماعی»، ترجمه و تلخیص کیومرث ایراندوست، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۷۴.
- وزیری، احمد علی خان (بی‌تا)، *تاریخ کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی.

منابع انگلیسی

- Pizzorusso, Giovanni .“Lo ‘Stato temporale’ della Congregazione de Propaganda Fide nel Sei • cento”, in Ad ultimos usque terrarum terminos in fide propaganda. Roma fra promozione e difesa .۲۰۱۴ ,della fede in Età moderna, ed. Massimiliano Ghilardi and others (Viterbo: Edizioni Sette Città
- Windler, Christian. Missionare in Persien Kulturelle Diversität und Normenkonkurrenz im globalen • .۱۸-۱۷) Katholizismus (Jahrhundert .۱۸-۱۷) Printed in the EU ISBN ۹۷۸-۳-۴۱۲-۲۱۱۲-۵.